

راه حل ملی برای بحران هسته ای؛ بسوی تحریم و جنگ و یا بسوی امنیت و صلح ؟

پنجشنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۹ - ۸ ژوئیه ۲۰۱۰

محسن مقصودی

عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران
راه حل ملی برای چالش بزرگی که رژیم ایران در رابطه با غنی سازی
اروانیم و سیاست های اتمی با جامعه بین المللی بوجود آورده است،
چیست ؟

می توان در دوکلمه "سرنگونی رژیم" به این سوال پاسخ گفت و آسوده
نشست و یا با مطرح نمودن اینکه باید دنیا پرونده حقوق بشر جمهوری
اسلامی را روی میز کار قرار دهد پاسخ روشن به سوال را به آینده
موکل کرد، آینده ای که یا در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت شود و
یا آینده ای بدون جمهوری اسلامی !

واقعیت ها، اما، خود را تحمیل می کنند و نمی توان با فریاد در
گوش خود، صدای دنیا را نشنید !

کشورمان هم اینک در وضعیت بسیار خطرناکی قرار گرفته است. سخنان
باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، بر خلاف آنچه که رسانه های
فارسی زبان وابسته به کنگره آمریکا غیر مسئولانه تلطیف و ارائه
دادند، بسیار تهدید کننده بود. اوباما با وجد از همکارانش که
سیاست تحریم ایران را در شورای امنیت سازمان ملل و مجالس
نمایندگان و سنای آمریکا پیش بردند، تقدیر کرد و پیروزمندانه
قوانین جدید تحریم های اقتصادی ایران را امضاء نمود. این تحریم
ها بهیچ وجه زندگی بهتری را برای مردم کشورمان رقم نمی زنند.
بنظر می رسد، سناریو عراق، اینبار برای ایران و با توجه به
بازیگران ایرانی و شرایط مشخص آن بازنویسی می شود که البته
"دستاوردی" بیشتر از عراق و یا افغانستان برای مردم ما نخواهد
داشت.

رفرمیست ها و اصلاح طلبانی که همیشه نیروهای تحول خواه و انقلابی را
متهم می کردند که فقرو فلاکت مردم را دستاویز مبارزه رادیکال خود
قرار می دهند، درمقابل این تحریم ها چه واکنشی نشان خواهند داد؟
چگونه دخیل بستگان به غرب هم اتمی شدن رژیم ایران را می خواهند
وهم بدنبال حمایت آمریکا و متحدان و رسانه های وابسته به آنان،

می‌دوند؟

جنبش جمهوریخواهان دمکرات ولایتیک ایران در گردهمآئی سراسری دوم، فوریه 2006، طی قطع نامه ای پاسخی روشن و مبتنی بر اصول و واقعیات - در ادامه موضع اصولی نیروهای مترقی کشورمان در 35 سال اخیر- به مسئله سیاست انرژی هسته ای داد. در این قطع نامه می‌خوانیم:

“پس از تشکیل کابینه نظامی امنیتی احمدی نژاد، سیاستهای ماجراجویانه و بحران زای رژیم جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و تشدید فشار و اختناق سیاسی و فرهنگی در زمینه داخلی، وضعیت بس خطیر و نگران کننده ای را برای آینده ایران پدید آورده است. مساله انرژی هسته ای و غنی سازی اورانیوم، که در دوره خاتمی نیز در کانون بحران در روابط بین المللی رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، در نتیجه سیاست های دولت جدید ابعاد تازه ای پیدا کرد. از سرگیری غنی سازی اورانیوم، تلاش پنهانی برای دستیابی به سلاح اتمی، توأم با سیاست تنش زای جمهوری اسلامی، ایران را به تقابل خطرناکی با جامعه بین المللی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد.

ما جمهوریخواهان دمکرات و لاییک، سیاست هسته ای بحران زای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم:

۱- گسترش سلاحهای هسته ای، صلح جهان را به مخاطره می‌افکند. ما برای تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامی گری و بویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه می‌کنیم. در این راستا ما از پیوستن به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل حمایت می‌کنیم. و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه می‌باشیم.

۲- تولید انرژی هسته ای برای ایران که به لحاظ انرژی فسیلی و انرژی باز تولید شونده در طبیعت غنی میباشد، به هیچ وجه ضروری نیست.

سیاست های غیرشفاف و تلاش پنهانی رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی ایران را به تقابل با جامعه جهانی کشانده و بحران خطرناکی را بوجود آورده است. غنی سازی اورانیوم که از علل اصلی این بحران می‌باشد، باید متوقف شود.

۳- تولید و استفاده از انرژی هسته ای صرف نظر از هزینه های عظیم و به صرفه نبودن آن از نظر اقتصادی برای مردم ایران، لطمات جبران ناپذیری برای محیط زیست بدنبال دارد. از آنجاییکه رژیم جمهوری اسلامی ایران در چرخه غنی سازی اورانیوم قادر به حفظ سلامت محیط زیست و جان مردم در برابر خطرات ناشی و از آن جمله تشعشعات

رادیواکتیو، نمیباشد. ورود به این چرخه، زندگی مردم و نسلهای آینده را به خطر می اندازد.

۴- ما مخالف دخالت و حمله نظامی احتمالی به ایران حتی در صورت تایید سازمان ملل و سیاست بدیل سازی قدرت های بزرگ می باشیم و حق مردم ایران می دانیم که سرنوشت خود را خود تعیین نماید. " این سیاست مبتنی بر منافع ملی و واقعیت های اقتصادی و سیاسی، متأسفانه، بازتاب وسیع نیافت و به گفتمان سراسری تبدیل نگشت. آقای موسوی بعنوان کاندیدای رقیب در "انتخابات" ریاست جمهوری، قبل از رای گیری در مصاحبه با مجله اشپیگل بر لزوم ادامه غنی سازی اروانیم و پیگیری سیاست اتمی حاکمیت حتی با شدت بیشتری تاکید داشت و آنگاه که بحث مبادله اروانیم غنی شده با سوخت راکتور آموزشی - پزشکی به میان آمد، آن را از دست رفتن تلاش 100 ساله محققان دانست و با مخالفت وی و بخاطر فضای سیاسی موجود، در زمانی که احمدی نژاد و فیروزآبادی رئیس ستاد نیروهای مسلح نظام، موافق بودند، این فرصت از دست رفت تا به تصویب قطع نامه چهارم شورای امنیت سازمان ملل متحد منجر شد.

از سوئی این محاسبه سراسر غلط در بین کارگزاران رژیم وجود دارد که با ادامه غنی سازی و دست یابی به فن آوری و تولید مواد هسته ای، رژیم می تواند امنیت خود را تضمین کند و تعادل راهبردی قدرت را در منطقه ایجاد سازد و از سوی دیگر این فکر و ایده اشتباه در بین برخی افراد اپوزیسیون وجود دارد که اگر مسئله اتمی نظام با غرب حل بشود، دیگر مدافعان حقوق بشر و آزادی های دمکراتیک در ایران، پشتیبانی در دنیا نخواهند داشت! طرف های افراطی دیگری هم هستند که یا تصور می کنند که نورخیره کننده یک انفجار اتمی، همان طلایه روشن ظهور امام زمان است و یا افراد بکلی متفاوت با شعار "از پیروز کسی نمی پرسد چگونه برنده شده است!" که برای تسخیر تهران سوار بر تانک های ناتو روزشماری می کنند!

تولید برق توسط نیروگاه اتمی برای اقتصاد ایران هیچ گونه ارزشی ندارد. ایران حداقل برای 90 سال آینده ذخایر نفت و برای 200 سال دیگر ذخایر شناخته شده گاز در اختیار دارد. کویرهای ایران که همیشه نماد خشکی و بی حاصلی محسوب می شدند، به برکت فن آوری امروزی و بهترش در فردا، اقیانوس بی انتهای انرژی خورشیدی هستند که تا ابد می توان از آن برق تولید کرد. اتفاقاً بارک اوباما اظهار داشته است که آمریکا از سرمایه گذاری در صنایع انرژی خورشیدی استقبال می کند. بدین ترتیب سرمایه گذاری در این صنایع تا دنیا دنیاست، هم برای ایران برق به ارمغان می آورد و هم سود حاصل از سرمایه گذاری در این رشته را. هم فال و هم تماشا!

اگر تنها خطوط فرسوده انتقال برق فشار قوی در ایران باز سازی شوند، معادل 10 برابر تولید برق در نیروگاه اتمی بوشهر صرفه جویی می شود. اگر لامپ های کم مصرف جانشین چراغ های قدیمی شوند و کالاهای برقی کم مصرف وارد کشور شوند و یا در داخل تولید گردند، 10 برابر تولید نیروگاه اتمی بوشهر برق صرفه جویی می شود. این ها همه آماري است که بطور رسمی توسط سازمان های دولتي ارائه می شوند.

با همین حساب های سرانگشتی می توان فهمید که با هیچ منطقی نیروگاه برق اتمی برای ایران بصره نیست که مضر هم می باشد. هیچ آدم عاقلی در باغچه خانه اش نارنجک نمی کارد! تاسیس نیروگاه هسته ای ، کاشتن بمب اتمی در باغ کشور است! در این منطقه هیچ تضمینی برای ایمنی کامل نیروگاه موجود نیست. هم خطر اقدامات نظامی علیه نیروگاه است و هم خطر های طبیعی ناشی از زلزله و دیگر بلایا و هم خطر نارسائی ها و اشتباهات فنی !

هیچ نهاد بین المللی و هیچ قطعنامه ای ایران را از پژوهش های پزشکی - آموزشی - هسته ای محروم نکرده است. چرا ایران بجای برق هسته ای ، دانشمند پزشکی هسته ای نداشته باشد؟ برای تربیت دانشمندان هسته ای بخصوص در رشته های مربوط به پزشکی و بهداشت و رفع آفات و غیره ، تمام کشور های پیشرفته نه تنها در مقابل ایران نیستند بلکه همکار و شریک کشور ما می توانند باشند.

حاکمیت و دیکتاتور آن ، علی خامنه ای همواره مسئله هسته ای را بعنوان یک فاکتور امنیتی مطرح نموده است. بارها خامنه ای بیان کرده است که اگر مسئله اتمی هم نبود، غربی ها مسائل دیگری را بهانه می کردند! سیاست امنیت داخلی که حول محور " انرژی هسته ای حق مسلم ما " شکل گرفته بود و می خواست با تبلیغ یک "خواست ملی" ، وحدت حاکمیت را تضمین کند ، با خیزش مردم در یک سال گذشته به شکست انجامید و جنبش سبز با وجود آنکه از کنار حل مسئله اتمی گذشت، در واقع یکدستی ظاهری حاکمیت را از هم گسست. سیاست اتمی هیئت حاکمه نه تنها وحدت و امنیت داخلی را همراه نیآورد، بلکه به امنیت بین المللی کشور بشدت لطمه وارد کرده است. آیا کارشناسی هست که بتواند ثابت کند امنیت ایران با ادامه غنی سازی بیشتر شده است؟ نیروی نظامی عظیم آمریکا و ناتو در منطقه ، قطع نامه های شورای امنیت، تبلیغات گسترده علیه عظمت طلبی نظامی رژیم در سراسر جهان ، تهدیدات مکرر به حمله نظامی و حتی حمله اتمی به ایران از سوی آمریکا و اسرائیل، تحریم های اقتصادی و مالی ، ایجاد سپرهای موشکی در کشور های حوزه خلیج فارس، فروش میلیارد ها دلار تسلیحات پیشرفته در منطقه، پیدا شدن سرو کله صدها جاسوس و تروریست و

آدمکش و دیپلمات های دلال در حوزه خلیج فارس، سربرآوردن پایگاه های نظامی آمریکا و انگلیس و ناتو در منطقه بزرگی از قفقاز تا امارات و از دیگو گارسیا تا افغانستان و قرقیزستان، فرو خوردن شرم و آزر مزدوری و نوکری بیگانه توسط عده ای وطن فروش و ... تماما نشانه ها و شواهد درشت و آشکار فرو ریختن هرچه بیشتر امنیت کشور است. آیا قابل قبول است که امنیت کشور را به بهانه تولید هزار مگاوات برق اتمی هزینه کرد؟!!

امنیت کشور تنها با رضایت و پشتیبانی مردم بدست می آید. امنیت با آزادی، دموکراسی، انتخابات آزاد و دیپلماسی صلح جویانه با تکیه بر اصل احترام متقابل بدست می آید. مردمی از سرزمینشان دفاع می کنند که خود را مالک آن می دانند و شریک در تعیین سرنوشتش می بینند. مردمی که سرکوب و تحقیر شده باشند، مردمی که به داشتن ارباب و "ولی امر" عادت کرده باشند، دیگر مفهومی برای میهن دوستی قائل نیستند، چه ولایت فقیه، چه فرماندار نظامی! اگر علی خامنه ای نباشد که فصل الخطاب باشد، جیم کلی یا جو بایدن باید بیایند و حرف آخر را بزنند تا نتیجه "انتخابات" معلوم شود!

میر حسین موسوی درست می گوید که در مقابل ماشین غول پیکر نظامی آمریکا و ناتو، تجهیزات نظامی رژیم به اسباب بازی می ماند! احمدی نژاد به درک درستی رسیده است وقتی می گوید که استعمارگران می سازند که بسوزانند و می سوزانند که بسازند و از این رهگذر جیبشان را پر می کنند.

اگر باور دارند به گفته های خود، چرا با درپیش گرفتن این سیاست هسته ای و ادامه غنی سازی، دلان تسلیحات نظامی، اتمی و استعمارگران را شاد و سرمست می کنند؟

کنار گذاشتن غنی سازی اورانیم و تعطیل کردن نیروگاه اتمی بوشهر، نه خوردن جام زهر توسط خامنه ای است، نه پیروزی برای جنبش سبز بحساب خواهد آمد و نه مبارزه برای تامین حقوق بشر را تعطیل می کند. توقف غنی سازی، تنها پیروزی عقل سلیم است و امتناع از حرکت بسوی میهنی سوخته و غرق در خون و جنون می باشد!

اپوزیسیون دمکرات و آزادی خواه، می تواند و باید نقش مثبت خود را در سوق افکار عمومی به سمت ایرانی فارغ از مصائب و مضرات اتمی ایفا نماید.